

سه‌شنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۴

صبح از خواب برخاسته شکر خداوند را بجا آورده امروز تمامش را در منزل بودم.

چهارشنبه ۲۴ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

امروز اعلیحضرت همایونی مهمان شعاع السلطنه هستند باری سوار شده رفتیم «چیزر» خدمت آقای شعاع السلطنه رسیده، هنوز اعلیحضرت تشریف نیاورده بودند، صدر اعظم، موقد الدوله و نیرالدوله، معتمد الدوله و غیره و غیره بودند. چندان رسمی نبود، بسیار عالی بود. اعلیحضرت تشریف آوردند نهار صرف نموده عصری هم عصرانه خوبی صرف شد. امروز وقت ظهر آقایان^۱ وارد شهر شدند با تجمل زیادی

پنجشنبه ۲۵ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

امروز تمامش را در منزل بودم. دیشب باز دل دردی عارض شد. همان شبانه فرستادیم منصور (منصور الحکماء) را آوردند.

جمعه ۲۶ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

منصور الحکماء آمد دستور العمل داد، الحمدلله حالم قدری بهتر است.

شنبه ۲۷ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

الحمدلله حالم قدری بهتر است، رفتیم سر بنایی تماشا کردیم.

یکشنبه ۲۸ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

الحمدلله حالم بهتر است، نهار صرف نموده قدری استراحت کردیم بعد از

۱- منظور علمانی است که تصمیم به مهاجرت گرفته بودند.

خواب برخاسته رفتیم سر بنایی.

دوشنبه ۲۹ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

احوال الحمدلله بهتر بود، امروز بر حسب دعوت وزیر دربار، سه ساعت به غروب مانده باید برویم به اردوی نظامی اش به قول خودش «بریگاد کشیک خانه» که بالای سلطنت آباد واقع است. باری برای تماشا و زیارت خاکپای مبارک هر طوری بود صبح سوار شده راندم برای صاحبقرانیه، اعلیحضرت همایونی تا عصر اندرون تشریف خواهند داشت، حاجب الدوله، ناصر السلطنه، آصف السلطنه و احتساب الملک و غیره در اطاق وزیر دربار بودند. بعد وزیر دربار از همه دعوت نهار در اردو نمود، عذر آوردم رستم منزل موق الدوله، بعد سوار شده رفتیم اردو. حاجی ناصر السلطنه با وزیر دربار مشغول تخته بازی بودند بعد از نهار باز هم حضرات مشغول شدند تا سه ساعت به غروب مانده که اول آمدن مدعوین بود. سفرای خارجه، آقای نایب السلطنه، صدر اعظم و سایر وزراء همه آمدند. تمام اردو هزار نفر سوار و چهار صد نفر سرباز بودند با چهار عراده توپ، آمدند جلو چادرها که برای اعلیحضرت و سایرین زده بودند صف کشیدند و منتظر موکب همایونی بودند تا، دو ساعت به غروب اعلیحضرت تشریف آوردند در چادر مخصوص خودشان جلوس فرمودند، علی خان که سابق پیش من بود، فرمانده بود، قولر آقاسی باشی هم فرمان میداد مثل امپراطور آلمان. قدری تقلید قراق‌ها را در آوردند اگر چه ترتیب ندارد ولی امتیاز و نشان دارند. باری اسباب رو سفیدی پیش فرنگی‌ها شدند، وقت غروب دفیله دادند، وزیر دربار امیر نویان شد ولی سایرین هم سردار خواهند شد، بعد اعلیحضرت تشریف بردند. من هم سوار شده یکسر آمدم شهر.

سه شنبه سلخ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۴

رفتم حمام. (بعد از) مراجعت از حمام رفتم حضرت عبدالعظیم زیارت، رفتم سر بنایی تا وقت غروب.

چهارشنبه غزه شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

امروز تماش را در منزل بودم جائی نرفتم، رفتم قدری سر بنایی تماشا کردم.

پنجشنبه ۲ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

یک ساعت به غروب رفتم منزل احتشام السلطنه، یک بازی جدیدی راه انداختیم، مشغول شدیم تا ساعت سه، اسم این بازی معروف به «ورتوشکال» است ما هم شصت تومان بردیم.

جمعه ۳ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتیم سر بنایی، امروز تماش را در منزل بودم.

شنبه ۴ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتم سر بنائی این هم یک فراری است برای آدم بیکار.

یکشنبه ۵ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

غلامحسین خان اخوی آمد. با اسماعیل رفته بودند شکار بلدرچین، چهل عدد زده بودند در واقع حالا وقت خوردن بلدرچین است.

دوشنبه ۶ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

صبح رفتم درب خانه، نایب السلطنه و صدر اعظم در دربار مشغول رتق و فتق بودند، بعضی از وزراء هم بودند، هنوز در دیوانخانه باز نشده بود. بعد که باز شد رفتم به خاکپای مبارک شرفیاب شدم، نایب السلطنه و صدر اعظم با شاه خلوت فرمودند نهار صرف نموده بعد استراحت کردیم سه ساعت به غروب مانده رفتیم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدیم اعلیحضرت تشریف بردند به شاه آباد من هم رفتم به کامرانیه خدمت آقای نایب السلطنه.

دوشنبه ۷ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

سوار شده رفتیم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدیم تا یک ساعت به غروب مانده، نهار را هم در خدمت صدراعظم صرف نمودیم، شیخ مرتضی و آقا میرزا مصطفی و برادر کوچکش آمده به خاکپای مبارک مشرف شدند، بعضی از وزراء هم بودند. حکومت خمسه را دادند به نیرالممالک، عراق را هم دادند به جلال الدوله، فخرالملک احضار شده، ناصر خاقان هم احضار شده، سایر مغضوبین را هم احضار فرمودند.

چهارشنبه ۸ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

بشیر حضور، مجلل الدوله و معتمد خاقان آمدند تا نیم ساعت از شب گذشته اینجا بودند.

پنجشنبه ۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

چند روز نوشتن روزنامه تعویق افتاد، بعضی روزها در شهر بودیم، بعضی روزها

در شمیران. بهر جهت الحمدلله خوش گذشت.

یکشنبه ۱۲ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

صبح سوار شده رفتیم به صاحبقرانیه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا عصر آنجا بودیم، عصری اعلیحضرت سوار شدند تشریف بردند به شاه آباد، سوار شده در رکاب مبارک رفتیم به شاه آباد، یکساعت از شب گذشته مراجعت فرمودند.

دوشنبه ۱۳ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

صبح سوار شده رفتیم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدیم، نایب السلطنه، صدر اعظم با تمام وزراء حاضر شدند به جهت سلام عید مولود حضرت امیر علیه السلام، افواج هم تمام بودند. بعد سلام منعقد شد. بعد از سلام رفتیم دربار، نهار را هم آنجا صرف نمودیم.

سه شنبه ۱۴ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

امروز تماش (را) در منزل بودم.

چهارشنبه ۱۵ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتم سر بنایی امروز هم تماش را در منزل بودم.

پنجشنبه ۱۶ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتم سر بنایی عصری هم سوار شده رفتم منزل معیر الممالک یک بازی تازه ای در آمده اسمش «یاکارا» است تا دو ساعت از شب آنجا بودیم بعد با متصر الممالک

آمدیم منزل شصت تومان هم برده بودم.

جمعه ۱۷ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتم سر بنایی، امروز تماشا در منزل بودم.

شنبه ۱۸ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتم به صاحبقرانیه به خاکپای مبارک شرفیاب شدم تا عصر درب خانه، بودم.

یکشنبه ۱۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک شرفیاب شدم تا عصری درب خانه بودم.

دوشنبه ۲۰ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

امروز باز کسبه دکان‌ها را بسته رفتند به سفارت بست نشستند. امروز تماشا در منزل بودم جانی نرفتم.

سه شنبه ۲۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

الحمدلله قدری حالم بهتر شده است عصری منصور (منصورالحکماء) آمد دستورالعمل داد و رفت.

چهارشنبه ۲۲ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

امروز بهتر هستم از دیروز. امیدوارم که خداوند بزودی شفا عطا بفرماید.

پنجشنبه ۲۳ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

الحمد لله احوالم بهتر شده است ولی باز دوا می خورم، عصری هم قدری رفتم سر بتایی. امروز آجودان حضور هم اینجا بود بازی «ورتو شگال» کردیم. بیست و پنج تومان من باختم. ده تومانی هم میرزا عزیزالله باخت تمام پول ها را آجودان حضور برد.

جمعه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۲۴

امروز باید برویم به فرح آباد، اعلیحضرت همایون از صاحبقرانیه مراجعت فرمودند به فرح آباد، دیگر معلوم نیست کی تشریف فرمای شهر خواهند شد. ما هم صبح سوار شده رفتیم به فرح (آباد)، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا ساعت سه به خاکپای مبارک مشرف بودم.

شنبه ۲۵ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

سوار شده یکسر آمدیم به فرح آباد نماز خوانده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. سه ساعت از شب گذشته آمدیم منزل.

یکشنبه ۲۶ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

صبح از خواب برخاسته نماز خوانده سوار شده رفتم به خاکپای مبارک مشرف شدم، صدراعظم و سایر وزراء بودند. وقت ظهر آمدم منزل مؤثق الدوله. عصری نماز خوانده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم.

دوشنبه ۲۷ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

صبح رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر، بعد آمدم

منزل موثق، جمعی بودند مشغول بازی، قدری بازی کردیم، غروب سوار شده آمدیم فرح آباد نماز خوانده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم تا ساعت سه. بعد آمدم منزل موثق الدوله، با شاهزاده داراب و با حکیم و موثق الدوله مشغول بازی شدیم.

سه شنبه ۲۸ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

صبح از خواب برخاسته نماز خوانده چائی صرف شد چون حکیم گفته که صبح زود قدری پیاده راه بروم، رفتم از جاده قصر فیروزه به قدر پانصد قدم. بعد مراجعت نموده آمدم منزل، رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. بعد آمدم منزل، نهار صرف نموده قدری استراحت کردم رفتم درب خانه، تا ساعت سه به خاکپای مبارک مشرف بودم.

چهارشنبه ۲۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

قدری راه رفتم بعد آمدم منزل، سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. وقت ظهر آمدم منزل قدری استراحت کردم بعد برخاسته نماز خوانده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم.

پنجشنبه ۳۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

رفتم با آجودانحضور حضرت عبدالعظیم، آمدم منزل، اسپهای درشگه را عوض نموده سوار شده آمدم فرح آباد. نماز خوانده رفتم درب خانه، تا ساعت سه به خاکپای مبارک مشرف بودم.

جمعه ۲ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر درب خانه بودم آمدم منزل قدری استراحت کردم بعد رفتم درب خانه، تا ساعت سه به خاکپای مبارک مشرف بودم.

شنبه ۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

امروز روز ولادت حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه است، صبح رفتم درب خانه تمام وزراء و شاهزادگان و افواج حاضر بودند به جهت سلام. بعد نایب السلطنه و صدر اعظم هم آمدند. اعلیحضرت همایونی تشریف آوردند در باغشاه جلو سر در «شیر خانه» جلوس فرمودند. سلام منعقد شد بعد از سلام نایب السلطنه تشریف بردند در چادر خودشان. رفتم منزل موثق الدوله جمعی بودند نشسته بازی باکارا کردیم فردا اعلیحضرت تشریف فرمای شهر می شوند.

یکشنبه ۴ شهر شعبان ۱۳۲۴

رفتم سر بنایی تا وقت غروب، مدیر آمد قدری صحبت کردیم تا دو ساعت از شب گذشته.

دوشنبه ۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم شمیران منزل مؤیدالدوله، تا عصری آنجا بودم.

سه شنبه ۶ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا ظهر درب خانه، بودم. بعد

آمدم منزل نهار صرف نموده قدری استراحت کردم. رفتم سر بنایی.

چهارشنبه ۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا ظهر درب خانه، بودم.

پنجشنبه ۸ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا ظهر درب خانه بودم یک ساعت به غروب مانده سوار شده رفتم منزل حاجی معین السلطان. جلال الدوله هم آنجا بود.

جمعه ۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

برخاسته رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم، تا وقت ظهر درب خانه بودم امشب مؤید الدوله، موثق الدوله، مشکوة الدوله، مجلل الدوله، حسام السلطنه اینجا هستند، مشغول صحبت و ساز زدن شدیم.

شنبه ۱۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده با آجودان حضور رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدیم، امروز تمام شاهزادگان را احضار فرمودند برای قرعه کشیدن مجلس، تمام حاضر شدند بعد رفتند مجلس که قرعه بکشند.

یکشنبه ۱۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر درب خانه بودم.

دوشنبه ۱۲ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر درب خانه بودم

سه شنبه ۱۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

چهار ساعت به غروب مانده سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا غروب درب خانه بودم.

چهارشنبه ۱۴ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم، تا ظهر درب خانه بودم، شب را هم موقت الدوله اینجا تشریف داشتند.

پنجشنبه ۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

با موقت الدوله سوار شده رفتم حضرت عبدالعظیم زیارت کردیم رفتیم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدیم امروز اعلیحضرت همایونی سلام عامه نشستند نایب السلطنه، صدراعظم و تمام شاهزادگان و وزراء به جهت سلام حاضر بودند. امروز مشیرالسلطنه وزیر عدلیه شد و وزیر مخصوص هم حاکم...

جمعه ۱۶ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. بعد آدم منزل، نهار صرف نموده بعد از خواب نماز خوانده رفتم منزل آصف السلطنه، مجلس عقدکنان دختر آصف السلطنه بود به جهت موتمن الملک پسر صدراعظم. نایب السلطنه با جمعی

از اعیان بودند.

شنبه ۱۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا ظهر درب خانه بودم.

یکشنبه ۱۸ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، امروز اعلیحضرت همایونی سلام خیر کردند به جهت مجلس عبدالرحمان، خلاصه سه ساعت به غروب ماند. سلام منعقد شد نایب السلطنه، صدر اعظم، با تمام علماء و اعیان و افواج و تجار همه حاضر بودند خطبه خواندند، بعد نظام الملک خطبه اعلیحضرت همایونی را قرائت نمود، بعد افواج و فیله دادند و رفتند.

دوشنبه ۱۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر درب خانه بودم.

سه شنبه ۲۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. بعد رفتم منزل مؤیدالدوله. از آنجا مراجعت کرده رفتم درب خانه، تا سه ساعت به غروب مانده به خاکپای مبارک مشرف بودم. رفتم منزل موق الدوله نیم ساعت بعد آمدم منزل سردار افخم. قدری صحبت از امر خیر کردیم، مقصود ایشان خبر بردن به جهت آقا^۱ بوده است.

چهارشنبه ۲۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا یکساعت به ظهر مانده، بعد سوار شده رفتم منزل مؤیدالدوله، نهار صرف نموده با حسام السلطنه سوار شده آمدم منزل بعد سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدیم.

پنجشنبه ۲۲ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

مؤیدالدوله تشریف آوردند تا نزدیک ظهر اینجا بودند بعد رفتند. آقا میرزا آقاخان هم اسباب عقدکنان را درست نمودند که ببرند امیریه، بعد فراش‌ها آمدند اسباب‌ها را بردند.

جمعه ۲۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

آجودان حضور، آقا میرزا آقاخان، متصرف الممالک و قوام السادات آمدند، امروز باید بروند در امیریه به جهت عقدکنان، بعد سوار شده رفتم منزل عمیدالملک، آجودان حضور با عماد حضور آمدند قدری تعریف از مجلس عقدکنان کردند. دو ساعت از شب گذشته آقا میرزا آقاخان آمد او هم تعریف می‌کرد انشاءالله مبارک است. بودیم تا ساعت شش از شب گذشته در واقع مجلس خوبی بود. ساز و ضرب و ویلون، همه جور ساز می‌زدند، شب بسیار خوبی گذشت.

شنبه ۲۴ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

امروز تمامش را در منزل بودم تا سه ساعت به غروب مانده، بعد نماز خوانده قدری رفتم سر بنایی.

یکشنبه ۲۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

قدری رفتم سر بتایی تا غروب، بعد آمدم با منتصر الممالک و آقا میرزا آقا خان صحبت کردیم تا دو ساعت از شب گذشته.

دوشنبه ۲۶ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

رفتم منزل امیرخان سردار، امروز آنجا مدعو هستیم، جلال الدوله، معین السلطان، جلال الملک، حاجی ملک التجار آنجا بودند دو شیشه عکس هم در آنجا انداخته شد. وقت غروبی رفتم منزل شمس الدوله تا یکساعت از شب گذشته آنجا بودم.

سه شنبه ۲۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا ظهر درب خانه بودم. بعد آمدم منزل نهار صرف نموده قدری استراحت کردم. بعد از خواب، سوار شده رفتم منزل وزیر بقایا بجهت (عقد) کنان قوللر آقاسی باشی. از آنجا آمدم منزل منتصر الممالک، آنجا هم عقد کنان دختر منتصر الممالک بود به جهت پسر آقا میرزا آقاخان، بعد از آنجا رفتم منزل محتشم السلطنه.

چهارشنبه ۲۸ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم، بعد سوار شده رفتم منزل آقا شیخ فضل الله. بعد از آنجا برخاسته رفتم منزل آقا سید محمد. قدری آنجا نشستم تا یک ساعت از شب رفته آمدم منزل. امشب موق الدوله و وزیر افخم اینجا تشریف دارند. آجودان حضور و نواب هم بودند، فرستادم حبیب ستوری را هم آوردند.

پنجشنبه ۲۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

با آجودان حضور و نواب سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر درب خانه بودم، بعد آمدم منزل نهار صرف نموده قدری استراحت کردم. سوار شده رفتم منزل مؤیدالدوله، از آنجا به اتفاق رفتیم منزل آقای نایب السلطنه.

جمعه سلخ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت ظهر درب خانه بودم بعد آمدم نهار صرف نمودیم، بعد از خواب رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم، تا یکساعت و نیم از شب گذشته. امشب شب اول ماه مبارک رمضان است، سحری صرف نموده نماز خوانده استراحت کردیم.

شنبه غره شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک (مشرف) شدم تا مقارن غروب.

یکشنبه ۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا مقارن غروب درب خانه بودم.

دوشنبه ۳ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا نزدیک غروب درب خانه بودم.

سه شنبه ۴ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف (شدم). تا یکساعت به غروب مانده

به خاکپای مبارک بودم، بعد سوار شده آمدم کاروانسرای وزیر نظام: آقای نایب السلطنه آنجا تشریف داشتند تا غروب آنجا بودم. بعد آمدم منزل، آقا میرزا آقاخان و ادیب‌السادات بودند. افطار نموده قدری صحبت کردیم، بعد سوار شده رفتم منزل اعتصام‌السلطنه، ساعت پنج از شب گذشته آمدم منزل.

چهارشنبه ۵ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا یک ساعت به غروب مانده به خاکپای مبارک مشرف بودم، بعد سوار شده رفتم کاروانسرای وزیر نظام روضه. آقای نایب‌السلطنه هم تشریف داشتند.

پنجشنبه ۶ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم به فرح آباد به خاکپای مبارک مشرف شدم تا نزدیک غروب آنجا بودم. چون امشب در عمارت نو روضه خوانی داشتیم به این واسطه از دوشان تپه آمدم شهر، روضه خوانها آمدند، مشغول به ذکر مصیبت خامس آل عبا شدیم.

جمعه ۷ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

مقارن ظهر رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا مقارن غروب به فرح آباد بودم

شنبه ۸ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

امروز اعلیحضرت همایونی از فرح آباد تشریف آوردند شهر. سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف (شدم). تا نزدیک به غروب درب خانه، بودم بعد سوار شده رفتم منزل نستجی باشی.

یکشنبه ۹ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

مقارن ظهر از خواب برخاسته وضو ساخته نماز خواندم بعد سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا یکساعت به غروب مانده درب خانه، بودم بعد سوار شده رفتم کاروانسرای وزیر نظام خدمت آقای نایب السلطنه تا مقارن غروب آنجا بودم بعد آقا سوار شدند فرمودند بیا امیریه ما هم رفتیم امیریه. افطار هم در آنجا صرف نمودیم.

دوشنبه ۱۰ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

مقارن ظهر سوار شدم رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا یک ساعت به غروب مانده درب خانه بودم. بعد آمدم مغازه «باغدا سر» قدری آنجا بودم، بعد با احتشام الملک و بشیرحضور و حسین خان سر تیب رفتیم بازار، مغازه حاجی محمد حسین حریر فروش.

سه شنبه ۱۱ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. بعد سوار شدم آمدم منزل. امشب ظهیرالاسلام و شیخ رئیس اینجا مدعو بودند، نزدیک غروب آمدند.

چهارشنبه ۱۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

مقارن ظهر رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا نزدیک غروب درب خانه بودم. بعد آمدم منزل، سه ساعت از شب گذشته بود (که) عمیدالملک احتشام الملک، حسام السلطنه و محتشم الملک با دو نفر دکتر که متعلق به آنها بود آمدند

قدری پیانو و ویالون زدند.

پنجشنبه ۱۳ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم، تا یک ساعت به غروب مانده. بعد از درب خانه سوار شده رفتم کاروانسرای وزیر نظام خدمت آقای نایب السلطنه، با سلطان ملک میرزا رفتیم مغازه «سیمون»، قدری خرید کردیم. مراجعت (کرده) آمدیم کاروانسرای وزیر نظام، آقا سوار شدند رفتند درب خانه، ما هم سوار شده رفتیم دارالحکومه پیش وزیر مخصوص بعد از افطار رفتم درب خانه به خاکپای مبارک مشرف شدم تا دو ساعت از شب گذشته درب خانه بودم. بعد سوار شده رفتم منزل مؤیدالدوله، حاجی سهم الملک با دو پسرهایش آنجا بودند.

جمعه ۱۴ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم تا نزدیک غروب درب خانه بودم.

شنبه ۱۵ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا نزدیک مغرب در خدمت اعلیحضرت همایونی بودم. بعد با مجدالدوله آمدیم منزل صدر اعظم، آقای نایب السلطنه با جمعی از وزراء بودند. افطار را هم در منزل صدراعظم صرف نمودیم. بعد آمدند خبر کردند که اعلیحضرت تشریف آوردند بیرون در حیاط دربار هستند صدر اعظم تشریف بردند ما هم، جمعی رفتیم به حضور مبارک مشرف شدیم. بعد آقای نایب السلطنه تشریف آوردند قدری صحبت کردند بعد تشریف بردند. رفتم منزل وزیر دربار، قدری آنجا نشستیم جمعیت زیادی از قبیل نصرالسلطنه حاجب الدوله، سردار

همدانی و غیره بودند.

یکشنبه ۱۶ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، تا غروب درب خانه، بودم بعد سوار شده آمدم منزل. سه ساعت از شب گذشته رفتم منزل مؤثق الدوله.

دوشنبه ۱۷ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

یکساعت و نیم از ظهر گذشته سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. قدری درب خانه، ماندم بعد سوار شدم رفتم مغازه هلندی. آقای نایب السلطنه آنجا تشریف داشتند.

سه شنبه ۱۸ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. یک ساعت به غروب مانده سوار شده رفتم امیریه به روضه. بعد رفتم مسجد (برای) احیاء، تا ساعت نه مسجد بودم،

چهارشنبه ۱۹ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. یک ساعت به غروب مانده رفتم امیریه روضه. افطار نموده نماز خواندم بعد سوار شده رفتم منزل غنچه خانم.

پنجشنبه ۲۰ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا یک ساعت به غروب درب خانه بودم.

جمعه ۲۱ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شدم با آقامیرزا آقاخان رفتم حضرت عبدالعظیم زیارت. نیم ساعت به غروب مانده مراجعت کردیم. افطار نموده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم.

شنبه ۲۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. بعد مدیر آمد تا ساعت پنج صحبت می کردیم بعد رفتم مسجد (برای) احیای هشت ساعت از شب گذشته مسجد بودیم.

یکشنبه ۲۳ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

سوار شده رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا وقت غروب به حضور مبارک مشرف بودم. آمدم منزل. در بین شام حاجی سیاح آمد تا دو ساعت و نیم از شب گذشته اینجا بود.

دو شنبه ۲۴ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. نیم ساعت به غروب رفتم منزل آقای نایب السلطنه. شیخ الرئیس با جمعی از اعیان و صاحب منصبان افطار در آنجا مُدعو بودند.

سه شنبه ۲۵ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۴

رفتم درب خانه، به خاکپای مبارک مشرف شدم. تا مقارن غروب درب خانه بودم بعد سوار شده آمدم منزل. دو سه ساعت از شب گذشته سوار شده رفتم منزل غنچه خانم. بعد سوار شده رفتم (منزل) اعتصام السلطنه.